

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
۳۰/۴/۱۳۸۸

مارِ کر

خیال ماس

وطن را مامن و سواس کردند
اسیر دستِ هر خناس کردند
به کنج سینه قلبِ شیر داریم
مگر ما را خیال ماس کردند

نمادِ فتنه

چها بود این وطن اما چها گشت
پناگاهِ نمادِ فتنه ها گشت
الا یاران بیدادِ جـــــهانی
وطن بیزار از شکل شما گشت

راه نو

تورا یک روز جوّ جوّ میتوان ساخت
ز خشتِ کهنه ات زوّ میتوان ساخت
اگر بستی گذارِ هرچه راهست
رهی را باز از نوّ میتوان ساخت

نشئه هشیاری

مپنداری به بن بستی فتادیم
کجا در پای هر بستی فتادیم
کمال نشئه هشیاری ماست
اگر از چشم بد مستی فتادیم

مارِ کر

سرِ این ناکسان و حلقه دار
که مارِ کر نگردد اوده بر دار
کجا شد جاری فریاد مردم
لب چارسوی دلها می زنم جار

غوغای خموشی

ز غوغائی که پنهان دارد امشب
سکوتِ بوی طوفان دارد امشب
بود همپای اوقـــــــــیانوس آرام
که فوران در گریبان دارد امشب

حرف پنهان

خموشی باز طوفان کرده امشب
سرش را در گریبان کرده امشب
بپرسید از زبـــــــــان ساده دل
به زیر لب چه پنهان کرده امشب

پیچ وفا

به کوی آشنائی رهسپاریم
به نامردان سر و کاری نداریم
برای دیدن دلهای عــــــــاشق
سر پیـــــــــچ وفا در انتظاریم

برق دل

چرا خاموش و سرد و بی بخارید
چه گشته کاین همه حیران و زارید
مگر برق دل تان رفته امشب
که ظلمت را چــــــــنین آئینه دارید

دوراهی تنهایی

برای هر چه دل در جا بنالم
به سان کوه آتـشزا بنالم
سر دوراهی اندیشه عشق
خدا را تا به کی تنها بنالم

تردید

ز لرزه حالتی چون بید داریم
بر این ناباوران تردید داریم
نمی یابد کسی فریاد ما را
هوای چشم اهل دید داریم
